

A BOLD NEW ERA

RUCKLEY • HERNANDEZ • WHITMAN • LAFUENTE • BURCHAM

TRANSFORMERS®

20 YEARS OF IDW
ISSUE
2
COVER A





عجب دنیاییه
برای زندگی!



نظر من
نبود.

رویکرد جالبی برای آموزش
داری. اینکه شاگردت رو ببری
بیرون در مورد زباله گردهای وین
بهش آموزش بدی.

را بل دوست
داره در مورد
همه چیز اطلاعات
به دست بیاره.

بیگانه ها،
عوارض سطحی، جاذبه
همه چیز.



شاید بخاطر
دوستی بینمون
بتونی یکی حداقل
در چه موردی می خواهی
سخنرانی کنی؟

از اون دست سخنرانی ها
که من باهش مخالفم، یا
از اونهایی که تیم های
امنیتی برای بعداز سخنرانی
لازمه؟



هر دو امیدواریم
از نوع اولی باشه
اورپون. ولی مسائل
کنترل امنیت رو به خودت
واگذار می کنم.

ما اسنتیکان ها
به اندازه شما آتوبات ها
تو این زمینه تجربه نداریم.



برین استورم؟

حالت خوبه؟

>DRAMATIS PERSONAE>>>



>RUBBLE



>BUMBLEBEE



>WINDBLADE



>PROWL



>ORION
PAX




>CHROMIA



>MEGATRON




>WHEELJACK




اسم من
راپله.

من ۴۰ سیکل از
عمرم گذشته و در این
مدت کوتاه بامبلی
استاد من شگفتی های
زیادی بهم نشون داده
که فراتر از تصویره.




سؤالی هست که ممکنه
برای هر ربانی که در این
دنیای شگفت انگیز ساخته
شده پیش بیاد. اینکه امکانش
هست این نعمات رو از دست
بدم؟ ممکنه بمیرم؟

بامبلی بهم گفت نگران
این موضوع نباشم. ما
سایبر ترون ها بسادگی
نمی میریم. بعضی از ما
به انتخاب خودشون به
خواب فرو می رن. بعضی از
ما جذب سیاره سایبر ترون
می شن (مطمئن نیستم که مفهوم
این یکی رو دونسته باشم.)




البته تصادف هایی هم
اتفاق می افتند. همه جای
سایبر ترون امن نیست.
در خلا و در کلونی های
دیگه توحش وجود داره.
ولی در سایبر ترون اینطور
نیست. الان اینطور نیست.



از قبل از زمان ساخت
بامبلی تا به حال هیچ یک
از اهالی سایبر ترون به عمد
به دست دیگر اهالی سیاره
از بین نرفته. این مسائل اینجا
اتفاق نمی افتند. بامبلی بهم گفته.

و الان در آستانه
چهل و دومین سیکل
از زندگی خودم چیزی
رو یاد گرفتم که هرگز قبلاً
برام اتفاق نیفتاده بود.



استاد من از همه
چیز اطلاع نداره.

امکان داره بامیلی
اشتباه کرده باشه.

این مسئله
رو درک نمی کنم.
این جنون آمیزه.

ما هم
همین نظر
رو داریم.

دنیا از در پیچه چشمان شما

قسمت دوم



ولی ما
اینجاییم.



می تونه په
تصادف باشه.

ولی زیاد
شبيه په تصادف
نیست.

می دونی
منظورم چیه
کرومیا.

نشانه هایی
از خرابکاری
عمدی وجود
داره.

شاید
برین استورم
در کار گروه رایز
دخالت کرده و اونها
شدت عمل به خرج
دادند.



اگه همین اتفاق
افتاده باشه بذار
شدت عمل من
هم ببینند.

تمام فعالان
گروه رایز در
سیکل گذشته
رو زندانی
می کنیم.



تو خوبی
بامبلی؟

آره فکر
می کنم
باشم.

ممنون.



تو و بامبلی
باید برید. نیازی
نیست که شما
اینجا باشید.

سعی کن به این
موضوع فکر نکنی بامبلی.
این به موضوع باور نکردنیه.

این دنیا...
دنیا تو...
اینطور نیست. واقعاً
اینطور نیست.



شما کاری دارید که هر دو شما رو می تونه مشغول نگه داره؟

می خواستیم بریم پیش ویلجک. موافقت کرده یه کم زودتر بریم.

خوبه. ویلجک از اون گروه ربات هاییه که دنیا رو جایی روشن تر می کنه. یکی از حمل کننده های ما رو با خودتون ببرید.

ولی در این مورد با کسی حرفه نزنید، باشه؟



ارتباط رو حفظ کن. می خوام اگه لازم شد باهات حرف بزنم بتونم پیدات کنم.

بیچاره رابل. چه بدشانسه.

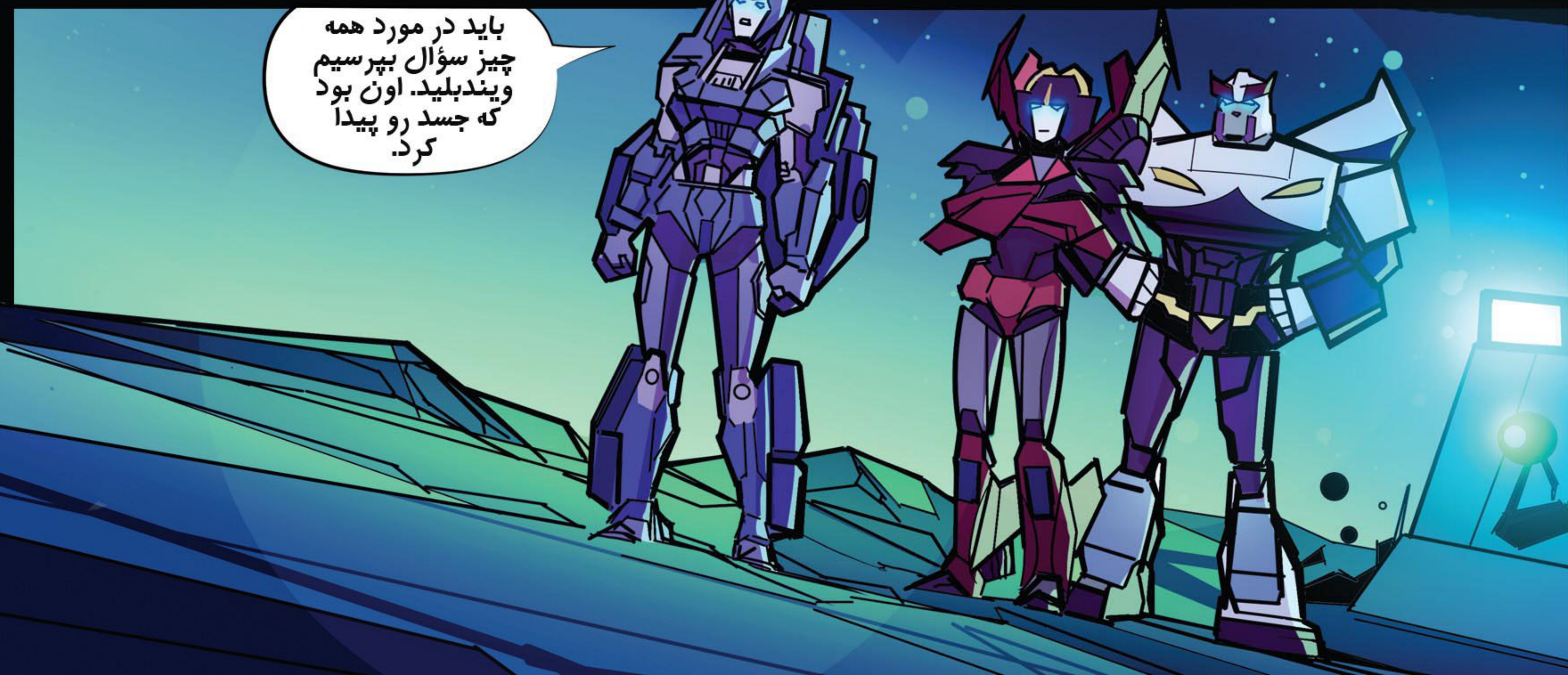


اگه می گفتی برین استورم بهتر بود. چیزی هست که در مورد رابل باید بدونم؟

چیزی که نگرانش باشم؟

چی؟

نه!
کروما!
رابل ربطی به این موضوع نداره.



باید در مورد همه چیز سؤال پرسیم ویندبلید. اون بود که جسد رو پیدا کرد.



باشه. رابل
مشکل ما
نیست.

خوب، باید
دنبال کسی
بگردیم که شبیه
در دسر باشه.

مطمئنی که
بین یاکون و اینجا
کسی جز یه زباله گرد
وین ندیدی؟



هیچکس و هیچ
چیزی ندیدم.

اون وین رو
کنترل نکردی؟

می دونی
مجوز ورود به این
منطقه رو داشته
یا نه؟



نه پرول نمی دونم. مجوز هاشو
چک نکردم. هویتش رو چک
نکردم. من در از تباط با امور
زنو نیستم.

ولی تو بخش امنیتی
که هستی و الان در جریان
تحقیق در مورد یه خرابکاری
احتمالی.

می تونستی
وضعیت اش رو کنترل
کنی. من بودم
می کردم.

جدا؟



اون
حمل کننده
دیگه رو برای
حمل جسد
آماده کن
پرول.

فقط
می گم...

اون حمل کننده
دیگه رو برای حمل جسد
آماده کن پرول.



البته که می تونست چک
کنه. اون هرگز اشتباه نمی کنه.

اشتباه می کنه.
اگه اینقدر تخریب تو
اطرافیان ایجاد نکرده بود
الان به جای من
مسئول امور
امنیتی بود.

به هر حال
اون بهترین
مامور تحقیقیه
که داریم.

و در این
مورد زیاد هم
اشتباه نمی کنه.



حدس می زنم
آخرین باری که
همچین اتفاقی افتاد
بیش از نیمی از جمعیت
فعلی سایبرترون
زنده نبود.

به لرزه می اندازتشون.
اونها رو به وحشت میندازه.

باید از اونها
جلوتر باشیم. باید
در مورد همه چی
سؤال کنیم. همه
چیز.

هیچکدوم
حق نداریم اشتباه
کنیم.



اورپون پکس. من
بیشتر از چیزی که
قبلا بهت گفتم اطلاعات
دیگه ای ندارم.

بخشی از من
خوشحاله. درسته
هر چه سریعتر باید
تحقیقات به نتیجه برسه.
ولی این اخبار چیزی نیست
که باعث خوشی بشه.

ولی چیز
دیگه ای هم
هست.

تظاهرات
استتیکان ها
در تارن در
جریانه.
به نظر می رسه
مگاترون جمعیت
بیشتر از حد انتظار ما
رو به اونجا کشونده.



اگه خبر این مرگ
قبل از اون ماجرا به
بیرون درز کنه، دیگه نمی شه
کله اونهایی که داغ کردند
خنک کرد.

اوضاع خطرناک
به نظر می رسه.
به نیروهای امنیتی
بیشتری در محل
نیاز هست.

اینجوری تمرکزمون
از بین می ره. ما برای
این همه مشکلات آمادگی
نداریم. همزمان نمی تونیم
از عهدشون بر بیاییم.

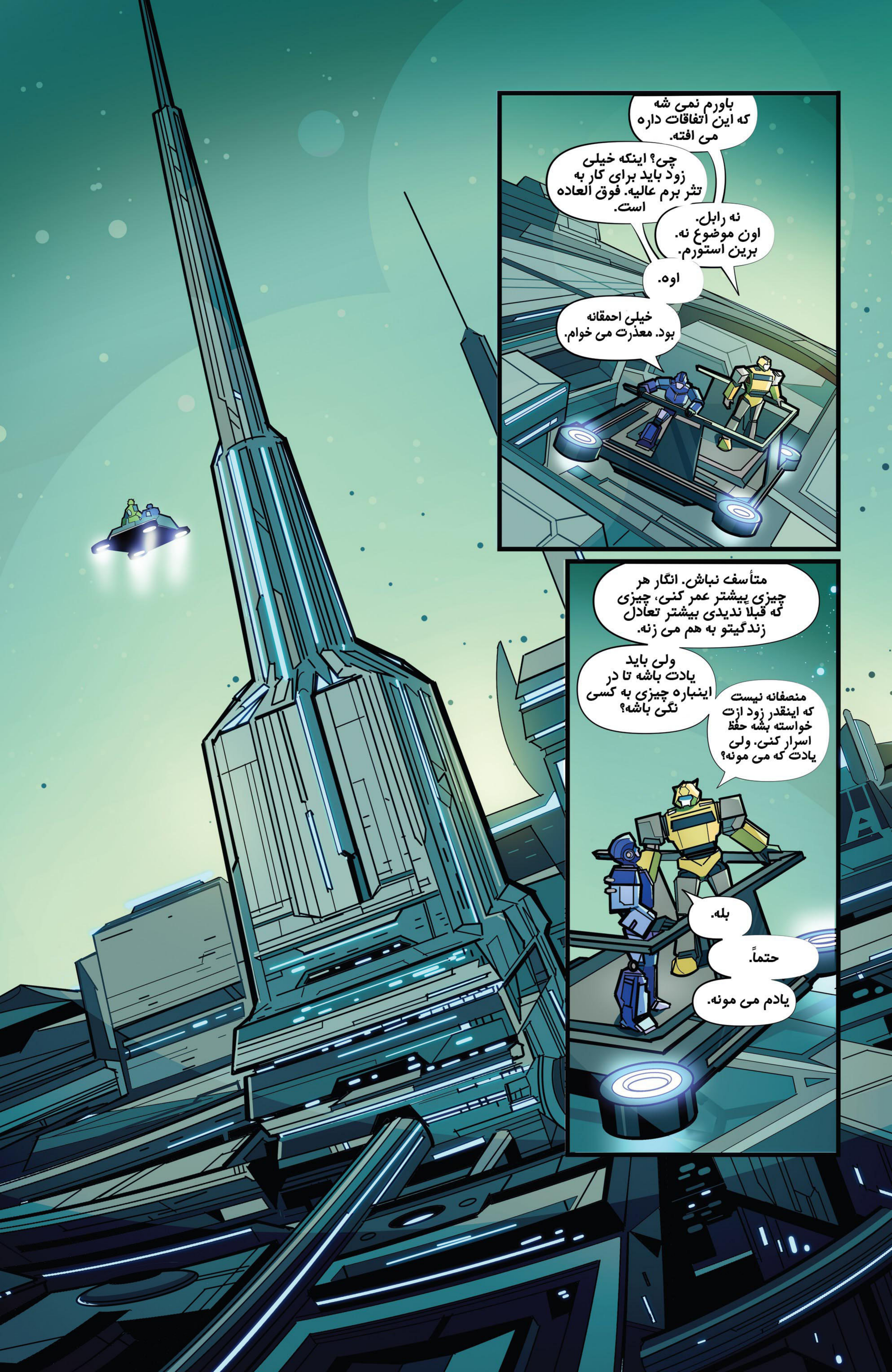


با این همه
کروما. هر قدر
نیر می تونی به
تارن بفرست.

بله
قربان.



آمادگی مقابله با این
همه مورد رو نداریم.



باورم نمی شه
که این اتفاقات داره
می افته.

چی؟ اینکه خیلی
زود باید برای کار به
تشر برم عالییه. فوق العاده
است.

نه رابل.
اون موضوع نه.
برین استورم.

اوه.

خیلی احمقانه
بود. معذرت می خوام.



متأسف نباش. انگار هر
چیزی بیشتر عمر کنی، چیزی
که قبلا ندیدی بیشتر تعادل
زندگیتو به هم می زنه.

ولی باید
یادت باشه تا در
اینباره چیزی به کسی
نگی باشه؟

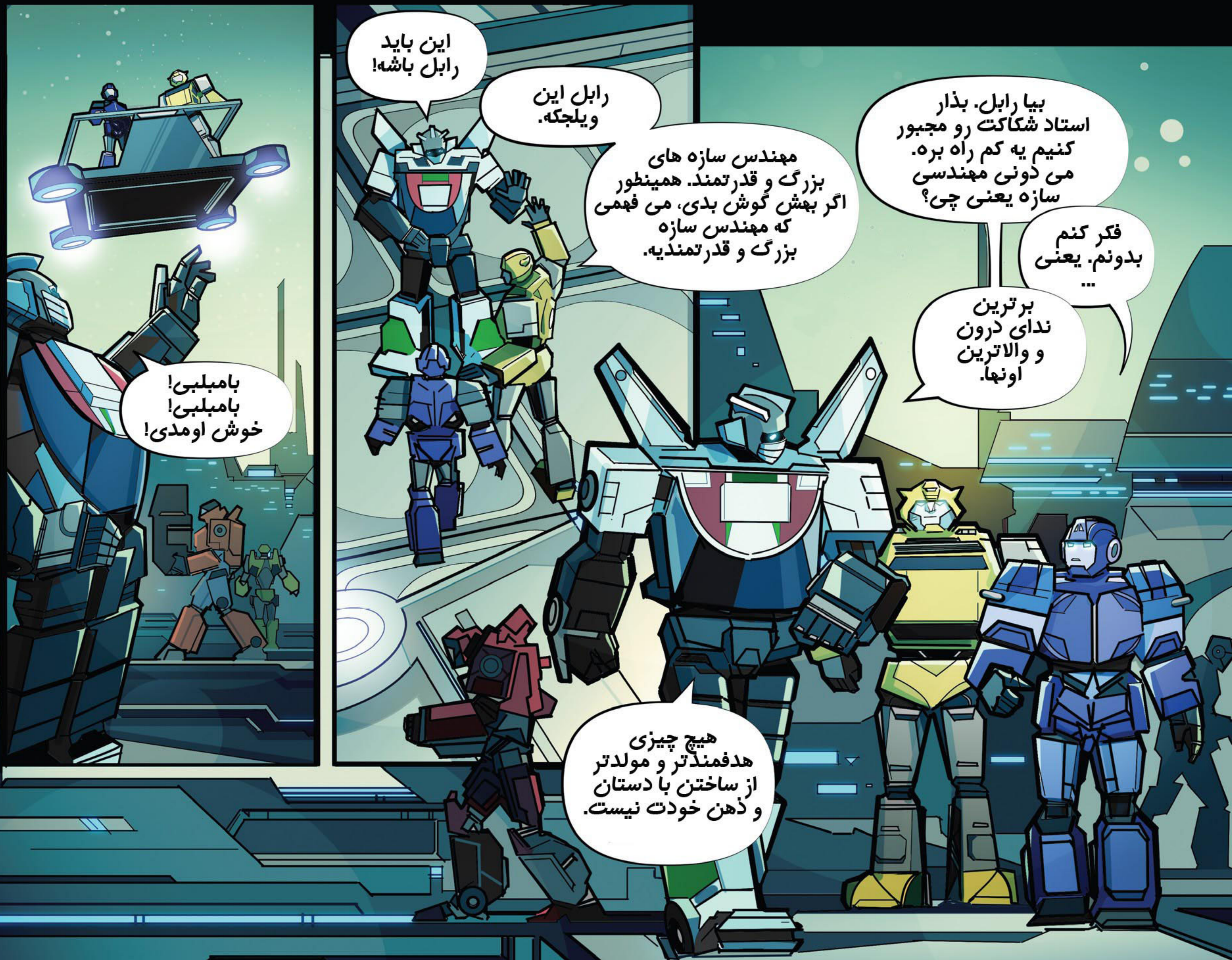
منصفانه نیست
که اینقدر زود ازت
خواسته بشه حفظ
اسرار کنی. ولی
یادت که می مونه؟



بله.

حتماً.

یادم می مونه.



این باید
راہل باشه!

راہل این
ویلجکه.

مهندس سازه های
بزرگ و قدرتمند. همینطور
اگر بهش گوش بدی، می فهمی
که مهندس سازه
بزرگ و قدرتمندیه.

بیا راهل. بذار
استاد شکاکت رو مجبور
کنیم یه کم راه بره.
می دونی مهندسی
سازه یعنی چی؟

فکر کنم
یعنی. یعنی
...

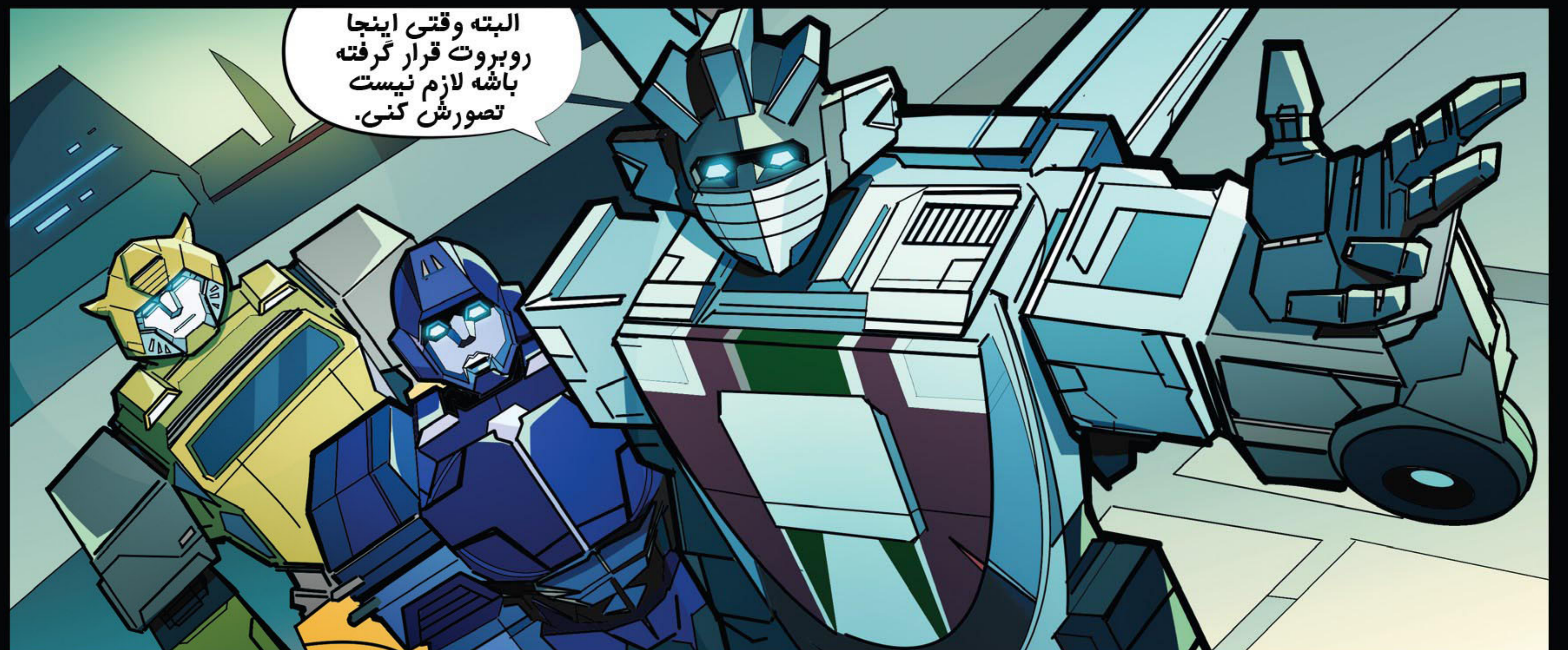
برترین
ندای درون
و والاترین
اونها.

بامبلی!
بامبلی!
خوش اومدی!

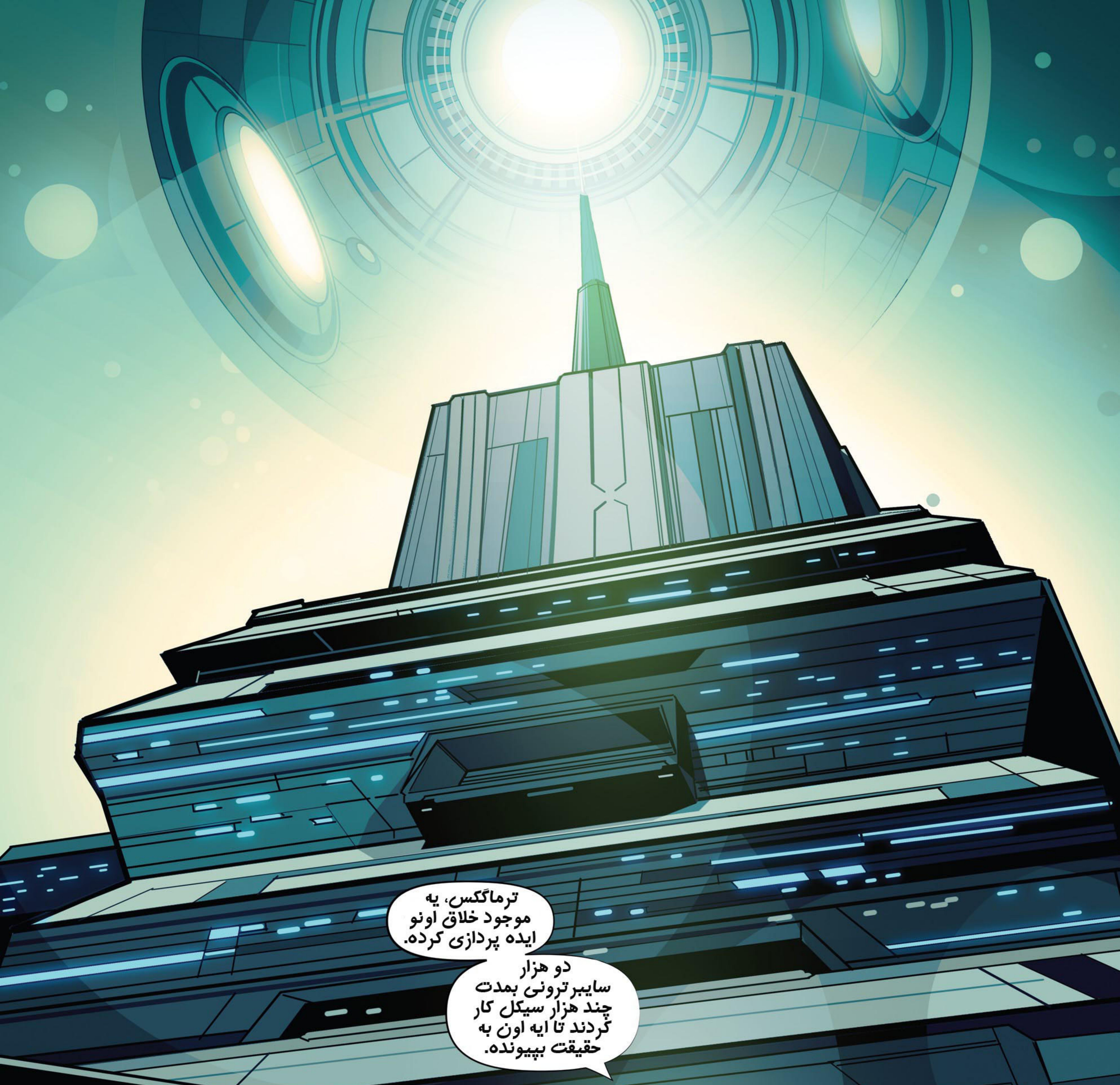
هیچ چیزی
هدفمندتر و مولدتر
از ساختن با دستان
و ذهن خودت نیست.



تصور کن! تژادی
رو تصور کن که دارای
قدرت تخیل و ظرفیت تغییر
شکل یک ماه به بزرگترین
بخش تولید انرژی در
جهان هستند.



البته وقتی اینجا
رو پروت قرار گرفته
باشه لازم نیست
تصورش کنی.

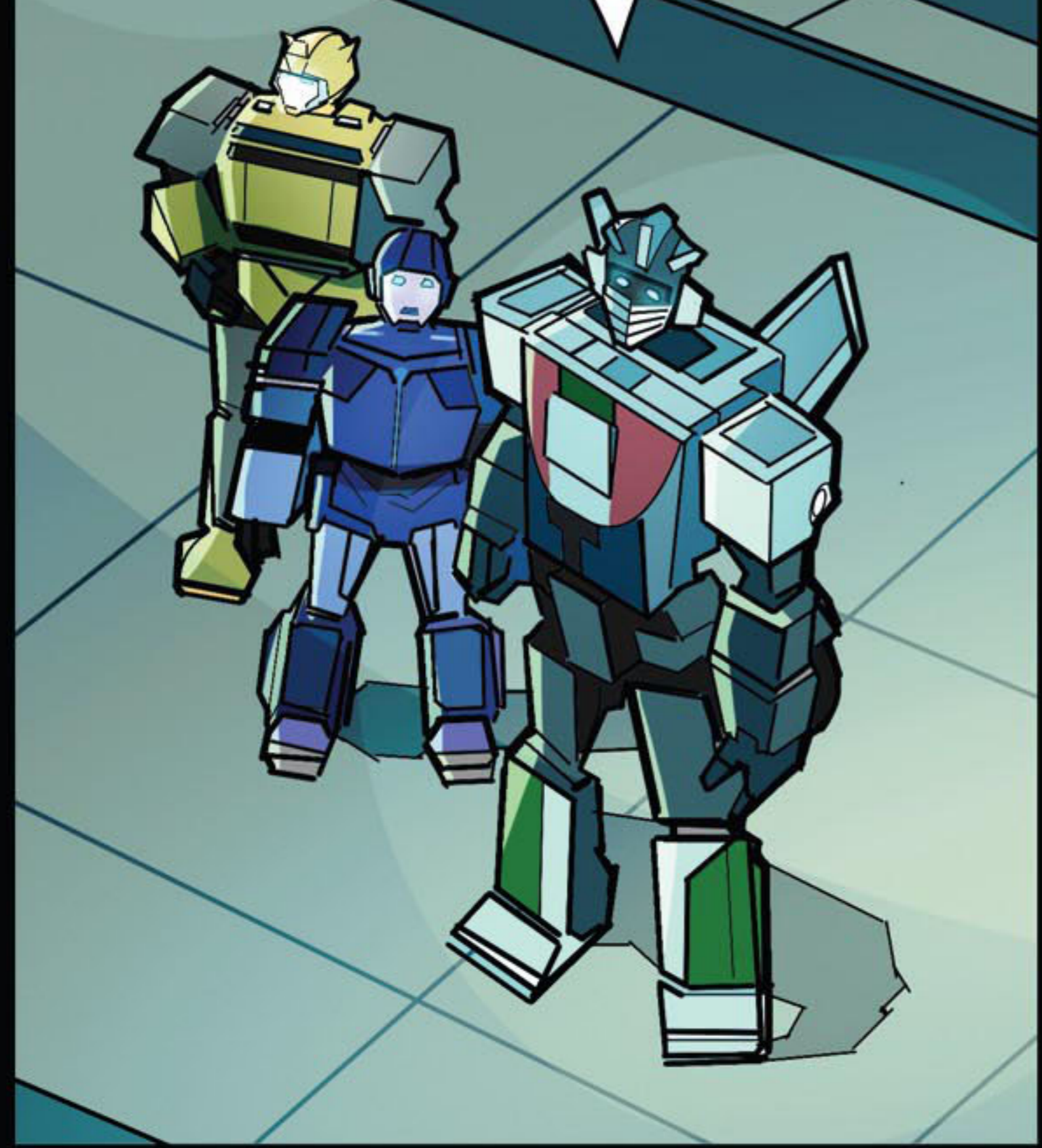


ترماگکس، به
موجود خلاق اونو
ایده پردازی کرده.

دو هزار
سایبر ترونی بمدت
چند هزار سیکل کار
کردند تا ایه اون به
حقیقت پیونده.



یک ماه بالدار
برای فیلتر کردن انرژی
از یافت زمان مکان که بارسانه های
انرژی، خطوط ارتباط و آسانسورهایی
به سایبر ترون متصله.



من بالی
نمی بینم.

می بینن.
می بینن.



ماه به مدار ایستگاهی
پایین تری منتقل شد و
با یک شبکه محرک موقعیتش
تثبیت شد و در جو
قرار گرفت.



و بعد خود
تشر... ببینم حوصله ات
رو سر بردم؟



یه چیزی
رو پاهاتونه.



اها!

یه اسکیتز
که از سیلیکون
تغذیه می کنه و از
سیاره الوان اومده.



بطور قاچاق با سفینه های
پناه جو به اینجا اومدند و در
سایبر ترون ساکن شدند.

اونها رو می شه
همه جای اطراف
تأسیسات فضایی
دید.

موجودات بی آزاری
هستند. چون سیاره خودشون
به یه محل غیر قابل سکونت
تبدیل شد بهشون اجازه اقامت
داده شد.

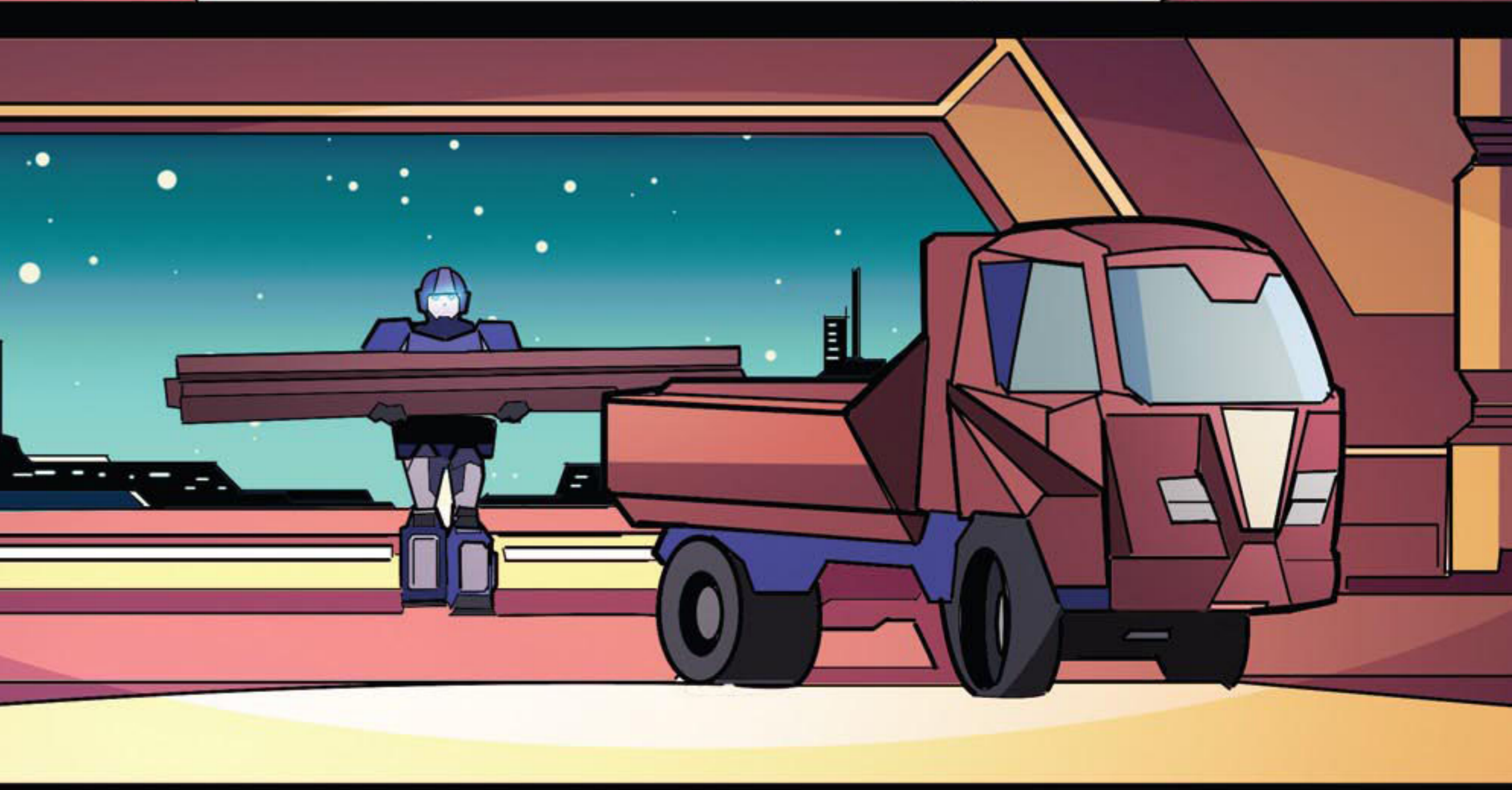
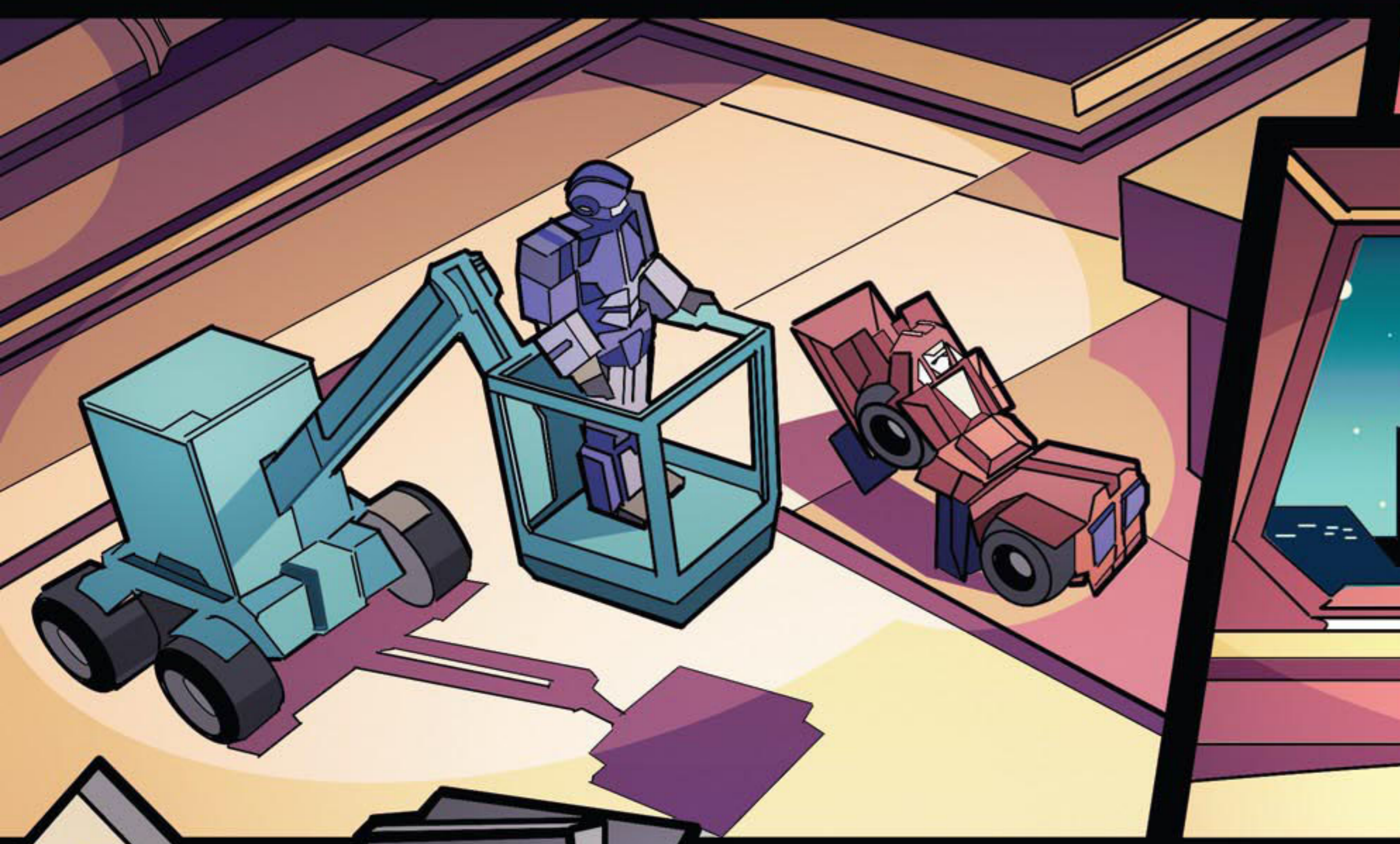
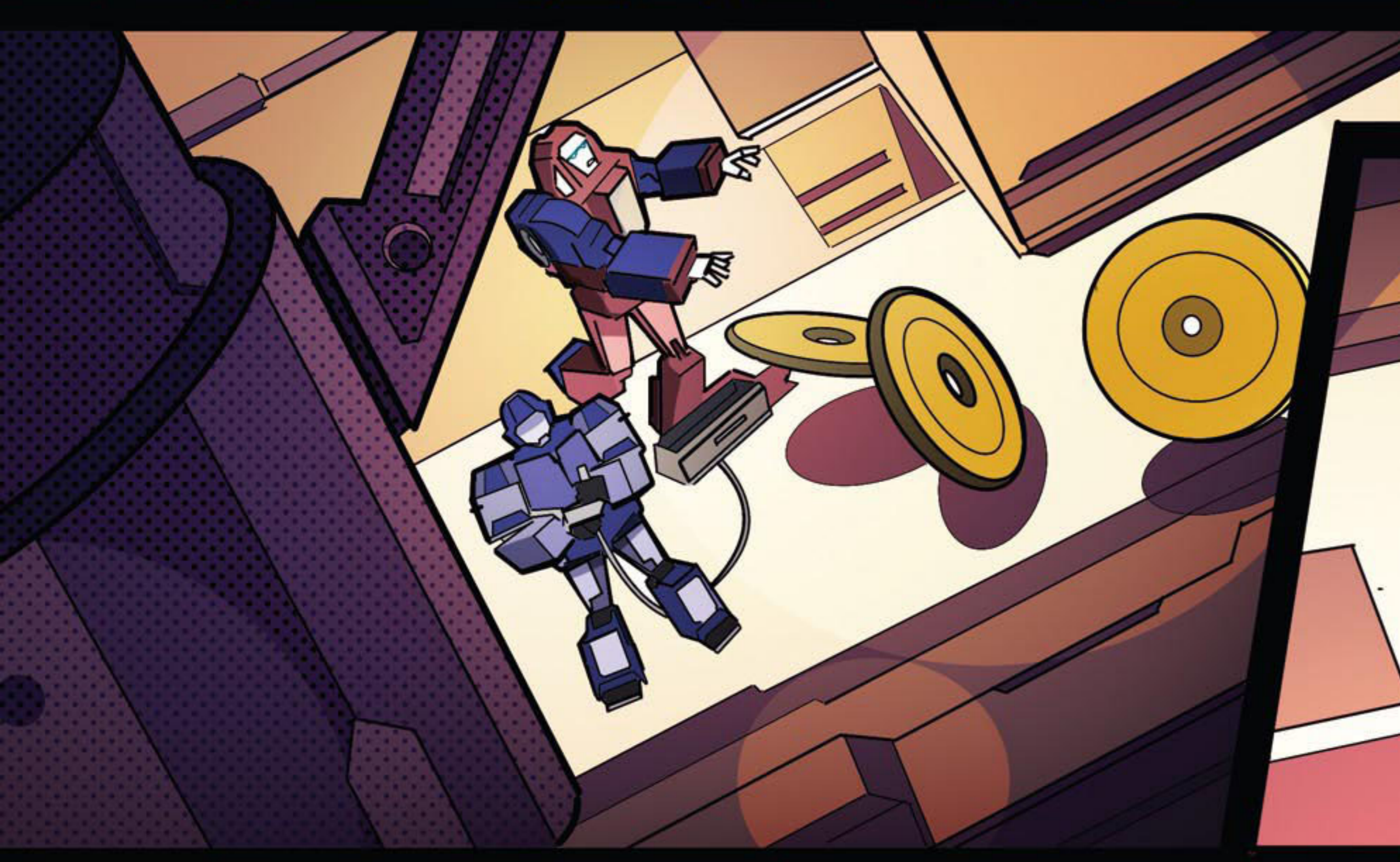
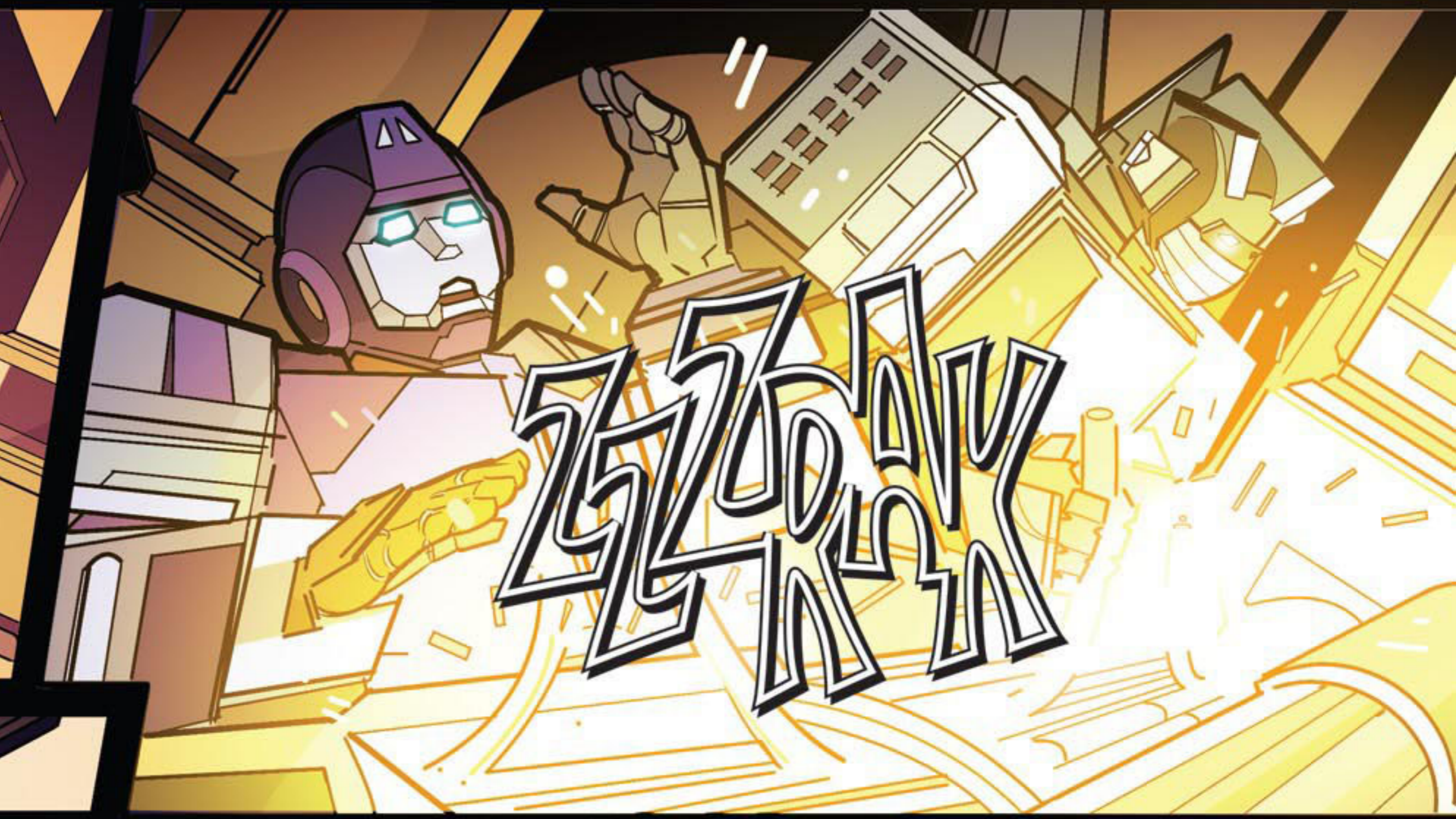
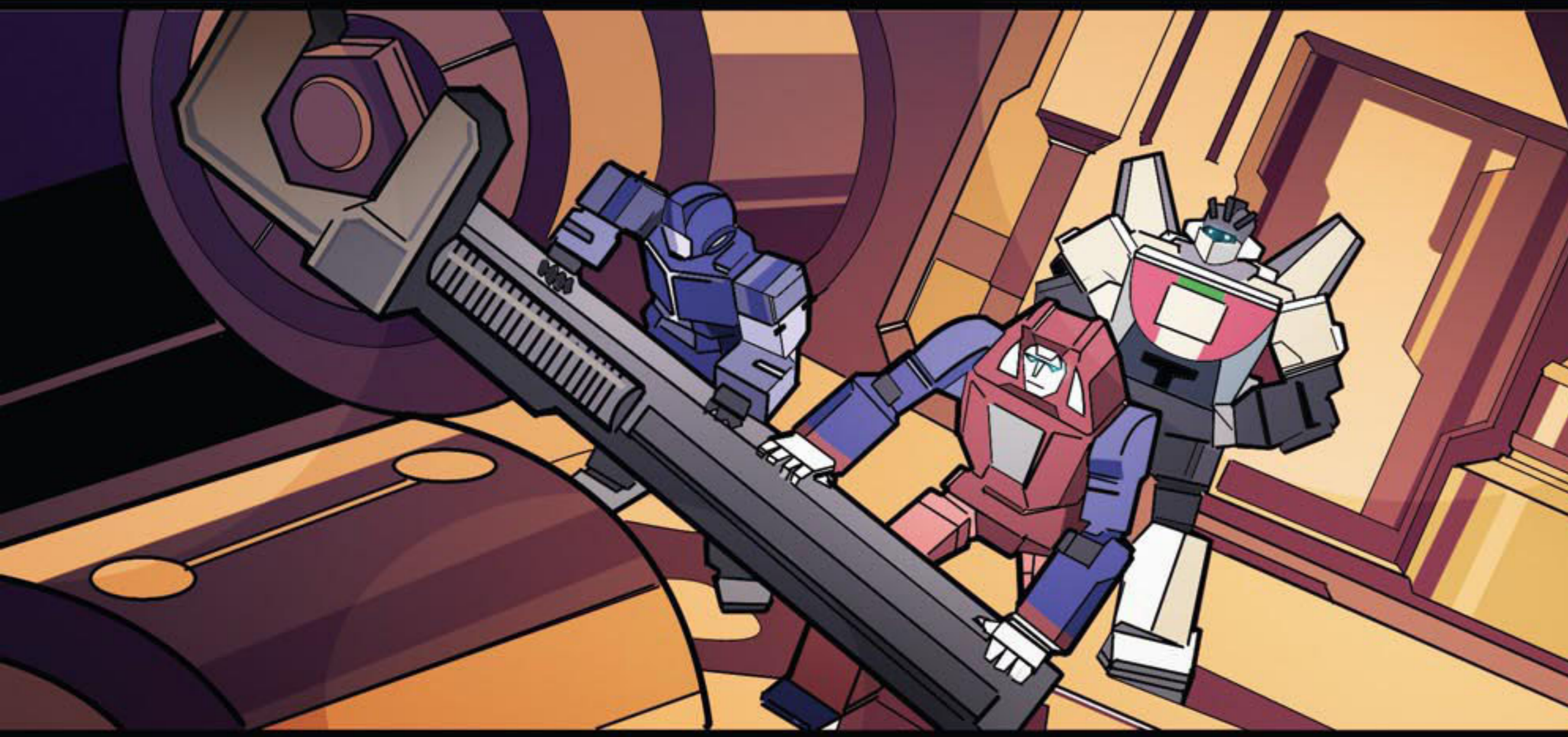


ولی شما اینجا نیومدید
که در مورد بیولوژی بیگانه
حرف بزنیم. شما برای هدف
عالی تری اینجا هستید.

یه کم باید
پیش من بمونی
رابل.

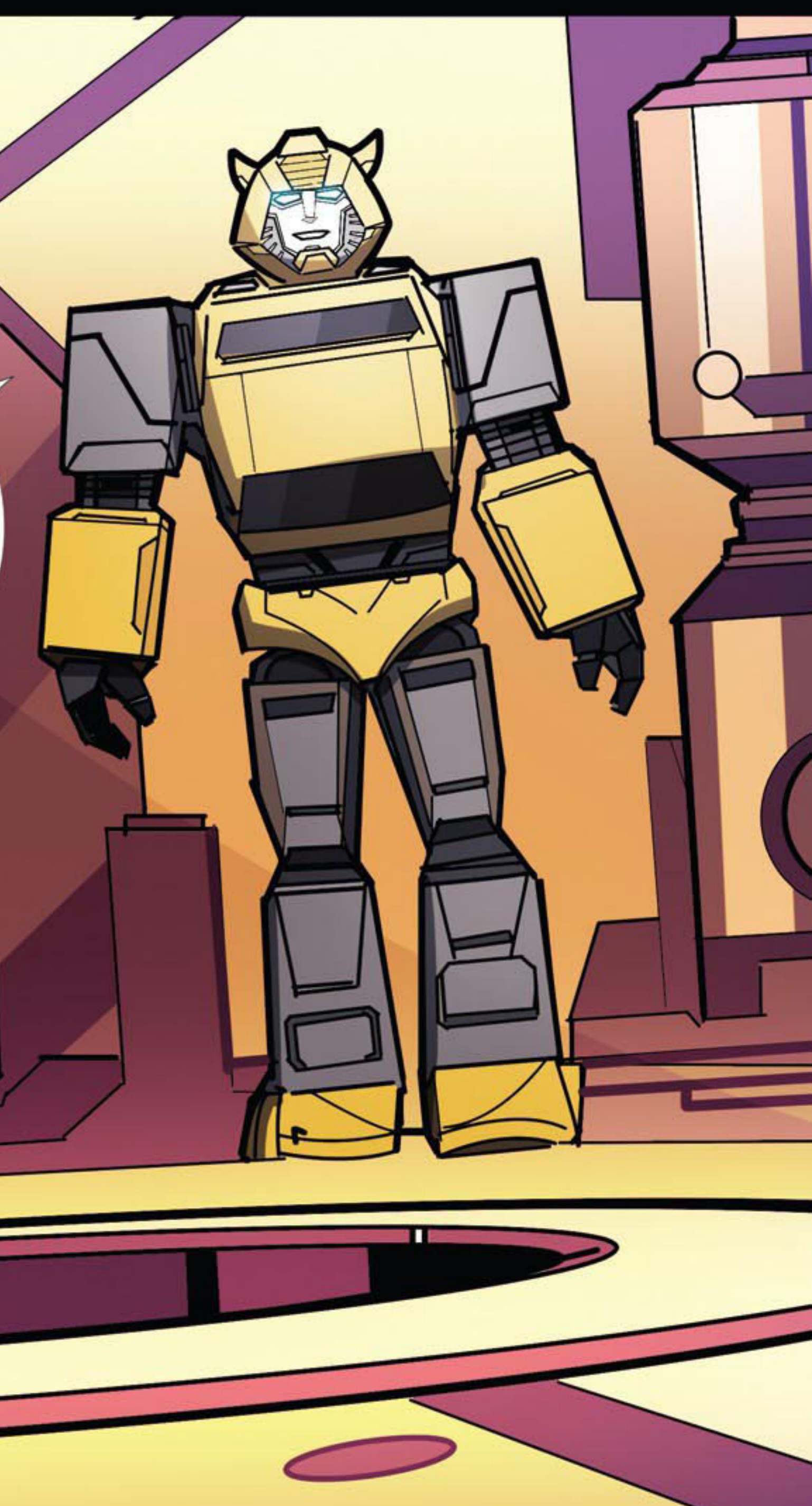
بامبلی می تونه
بره دنبال نجات و
یافتن کسانی که به
نجات نیاز ندارند.





اینجا رو
ببین! راهنمات
برگشته.

سروقت
رسیده تا احتمالاً
از تحلیل رفتن
کامل ذهنش
جلوگیری کنه.



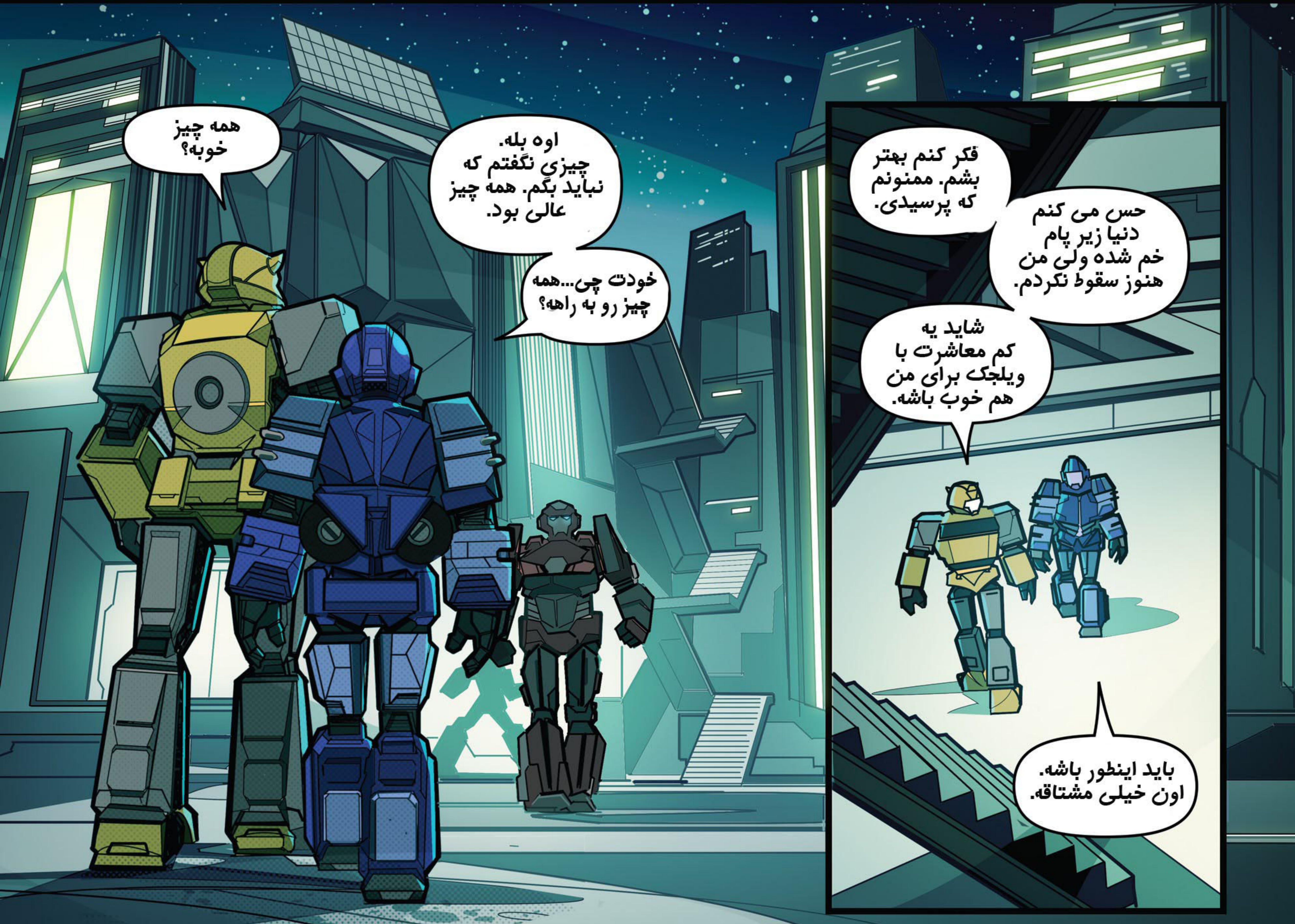


بهتر! تأثیر ماه
بزودی از بین
می‌ره.

در حال
اجرای یک سیکل
کامل استحصال
هستیم.

باید اقرار
کنم که مایلم
ببینمش.

می‌تونید از پشت بام
بخش قطعات ببینید.
وقتی حسابی لذت بردید
برگردید اینجا برای دیدار
بعدی رابل برنامه ریزی کنیم.



همه چیز
خوبه؟

اوه بله.
چیزی نگفتم که
نباید بکم. همه چیز
عالی بود.

خودت چی... همه
چیز رو به راهه؟

فکر کنم بهتر
باشم. ممنونم
که پرسیدی.

حس می‌کنم
دنیا زیر پام
خم شده ولی من
هنوز سقوط نکردم.

شاید یه
کم معاشرت با
ویلجک برای من
هم خوب باشه.

باید اینطور باشه.
اون خیلی مشتاقه.



کاملاً ببین. از اینجا
باید بریم بالا.

رسیدیم.



نمی دوما اونها
از کجا می دونند
کی باید اونو باز کنند.

راستش من
هنوز کاملا
مطمئن نیستم.
انرژی آزادی که همه
جا هست در اطراف
ما وجود داره.

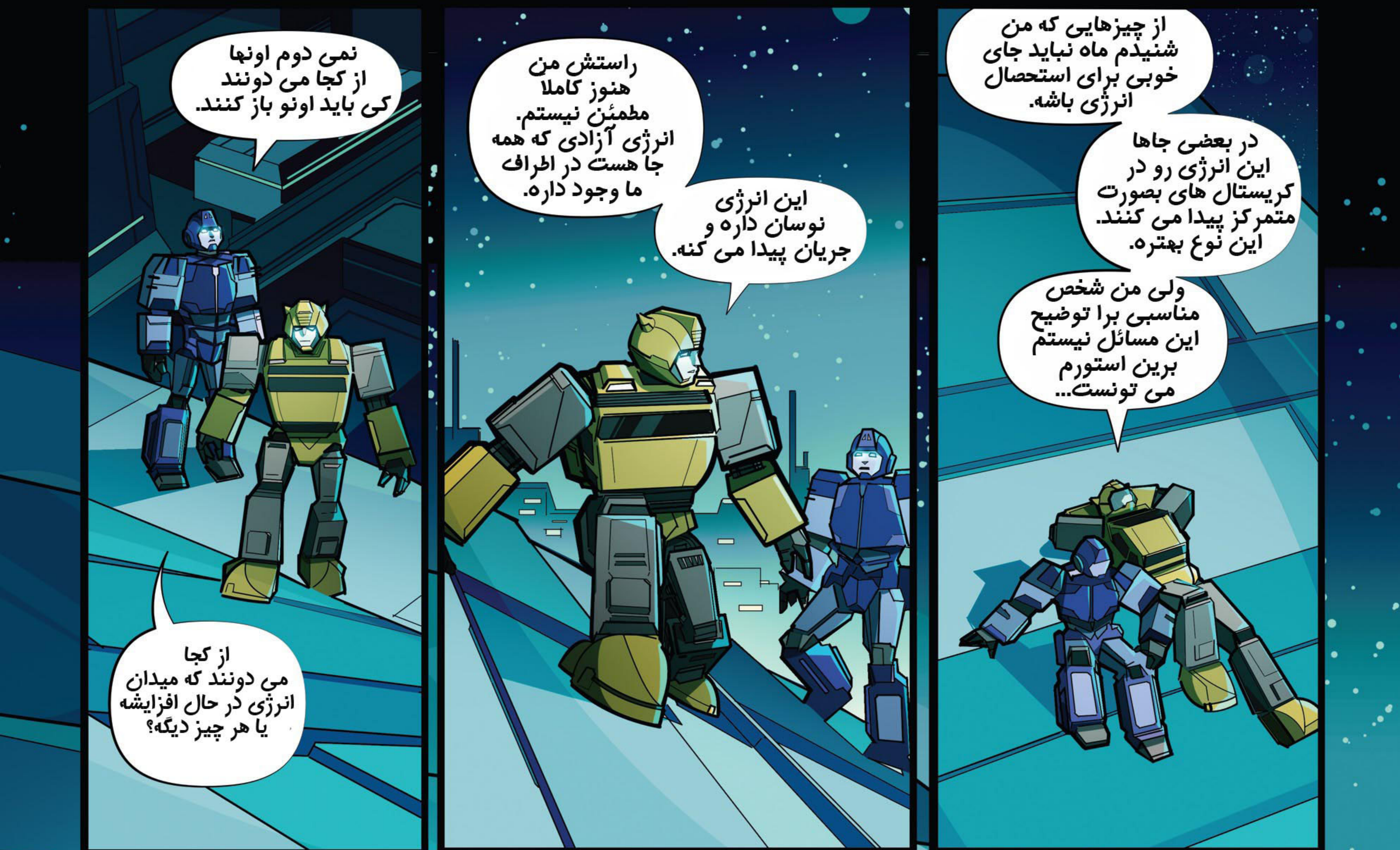
این انرژی
نوسان داره و
جریان پیدا می کنه.

از چیزهایی که من
شنیدم ماه نباید جای
خوبی برای استحصال
انرژی باشه.

در بعضی جاها
این انرژی رو در
کریستال های بصورت
متمرکز پیدا می کنند.
این نوع بهتره.

ولی من شخص
مناسبی برا توضیح
این مسائل نیستم
برین استورم
می تونست...

از کجا
می دونند که میدان
انرژی در حال افزایشه
یا هر چیز دیگه؟





منظور از رایز چیه
بامبلی؟ از بعضی ها
شنیدم که در موردش
حرف می زدند.

اونها... نمی دونم
چی باید در موردشون
گفت. چیز خوبی
نیستند.

اونها هم دنبال همون
چیزهایی هستند که اسنیکان ها
هستند ولی از اونها تندروتر
هستند.



برای اونها حرف
زدن کافی نیست. اونها
اقدام به تخریب و دزدی
می کنند.

احمق هایی هستند
که فکر می کنند با
ایجاد دردسر می تونند
به چیزهایی که می خوان
برسند.



منم باید
انتخاب کنم؟

بین
اسنیکان ها و بقیه؟
منظورم اتوبات ها..؟

به نظرم
بهتره ذهنتو
مشغول این مسائل
نکنی.



به نظرم بیش از
حد نیاز هر سیاره ای
تقسیم بندی های سیاسی
وجود داره.

اسنیکان ها،
اتوبات ها، خیلی از
موجودات کوچک و
ریورشنیست ها.

بهترین کار
اینه که به هیچکدوم
ملحق نشی. من
هیچوقت این کارو
نکردم. تو هم نکن.

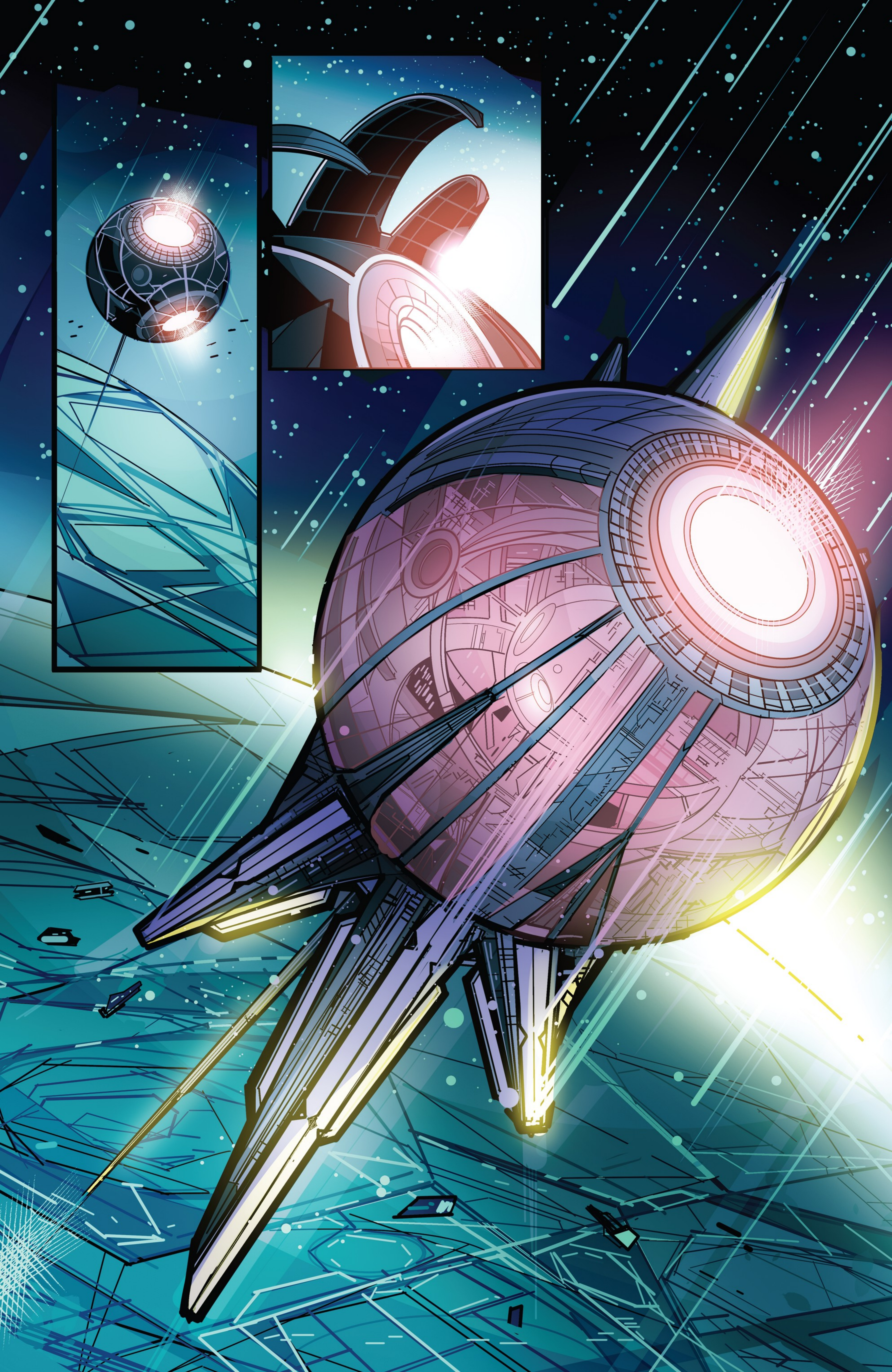


تا وقتی که به اندازه
کافی زندگی نکردی و تجربه
بدست نیوردی، دنباله رو
نظرات دیگران نشو.

هیچوقت برای
چیزهای بهتری که
پهش توجه بشه
کمبودی وجود
نداره.



مثل این.
بین. داره
شروع می شه.





دو تا از ربات های دیوانه به بار از اون بالا سقوط آزاد کردند. فکر شو بکن!

می بینی نور چطور از اون صفحه ها منعکس می شه؟ و می درخشه؟



خارق العاده ترین چیزیه که تا حالا دیدم.



خوب، تو جوونی. هنوز خیلی چیزها هست که ببینی.



می دونی رابل؟ حق با تونه. این خارق العاده ترین چیزیه که دیدم.

قارن. جنوب غربی کاٹون.

استتیکان ها!
استتیکان ها!



به من گفته شده... به همه شما گفته شده که اینجا در سایبر ترون بهترین زندگی رو داریم.

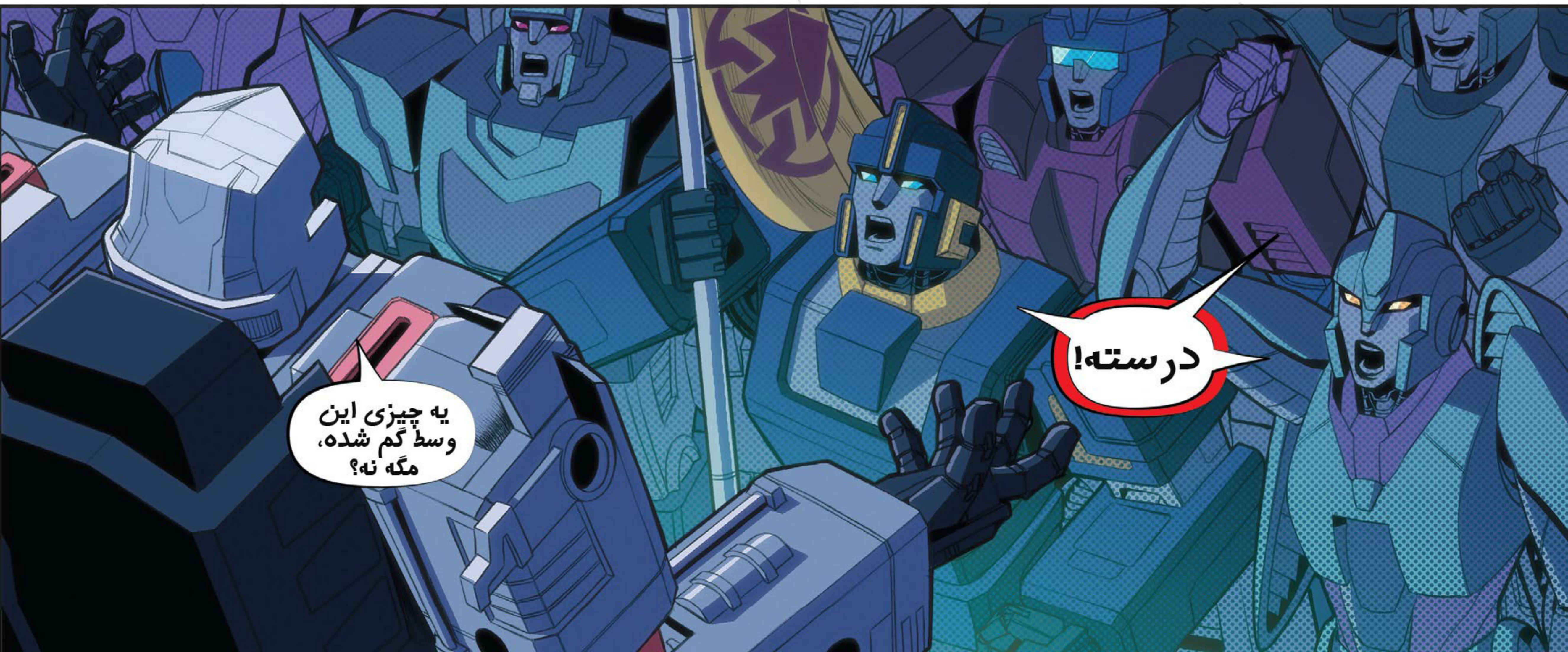
ولی من احساس محدودیت می کنم.

من نه تنها خودم، بلکه شما و تمام سیاره زیبای خودم رو در بند حس می کنم.



درسته!

یه چیزی این وسط کم شده، مگه نه؟



ما استثنایی هستیم،
ما سایبر ترونی ها، هیچ
چیز دیگه ای در تمام عالم
هستی وجود نداره که طبیعت
ما رو داشته باشه.

این طبیعت ما
با تمام قدمت و ظرفیتش
با تمام انعطاف پذیریش و
تمامی موهبت هایی که
پرایموس (منشأ حیات)
به ما بخشیده،
بی مانده!

کدوم دیوانگی باعث
شد که ما اون طبیعت
چندبعدی خودمون رو
محدود کردیم؟

کدوم شک
ترسناکی ما رو درگیر
کارهای نادرست نامینوس
ادیکت کرد؟

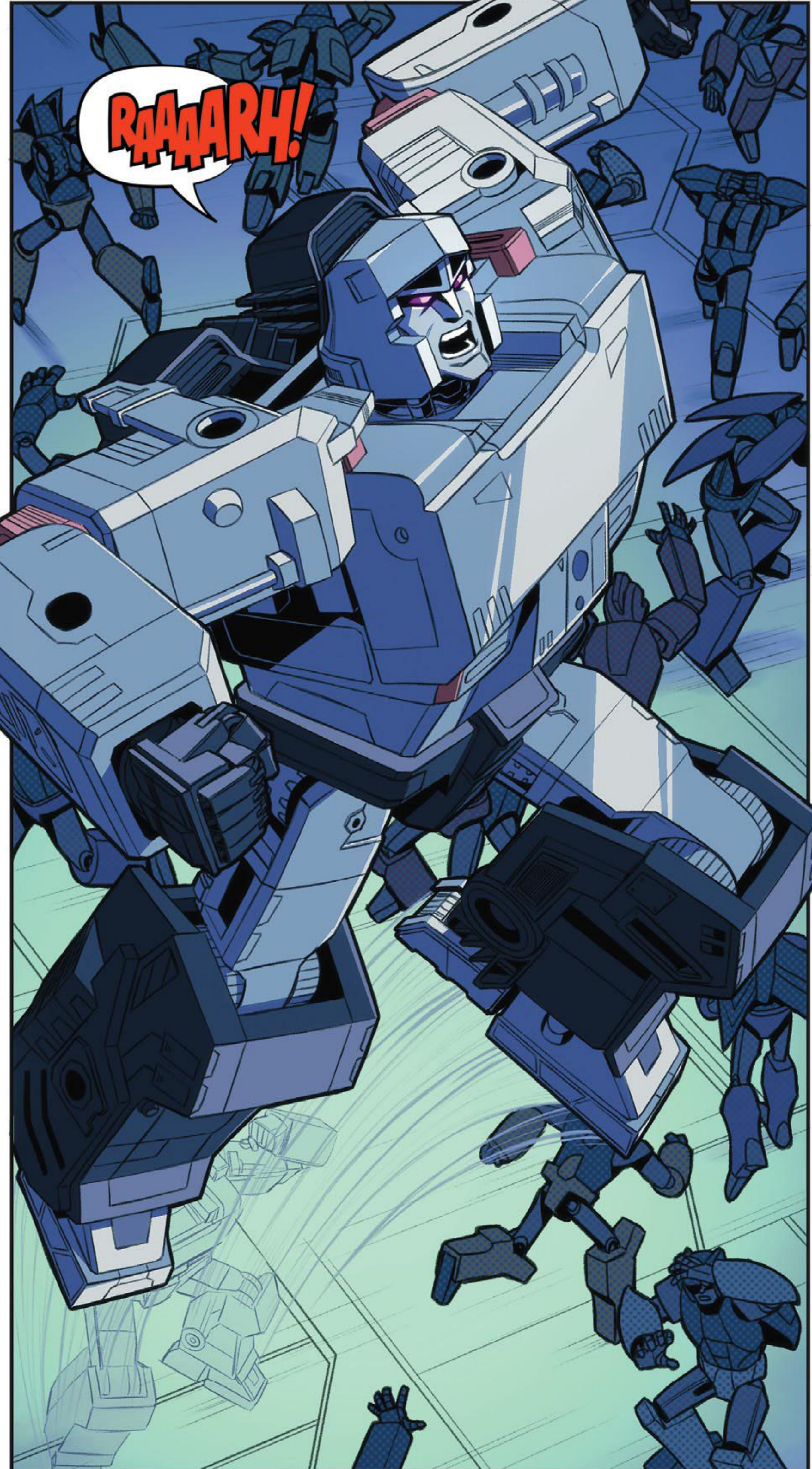
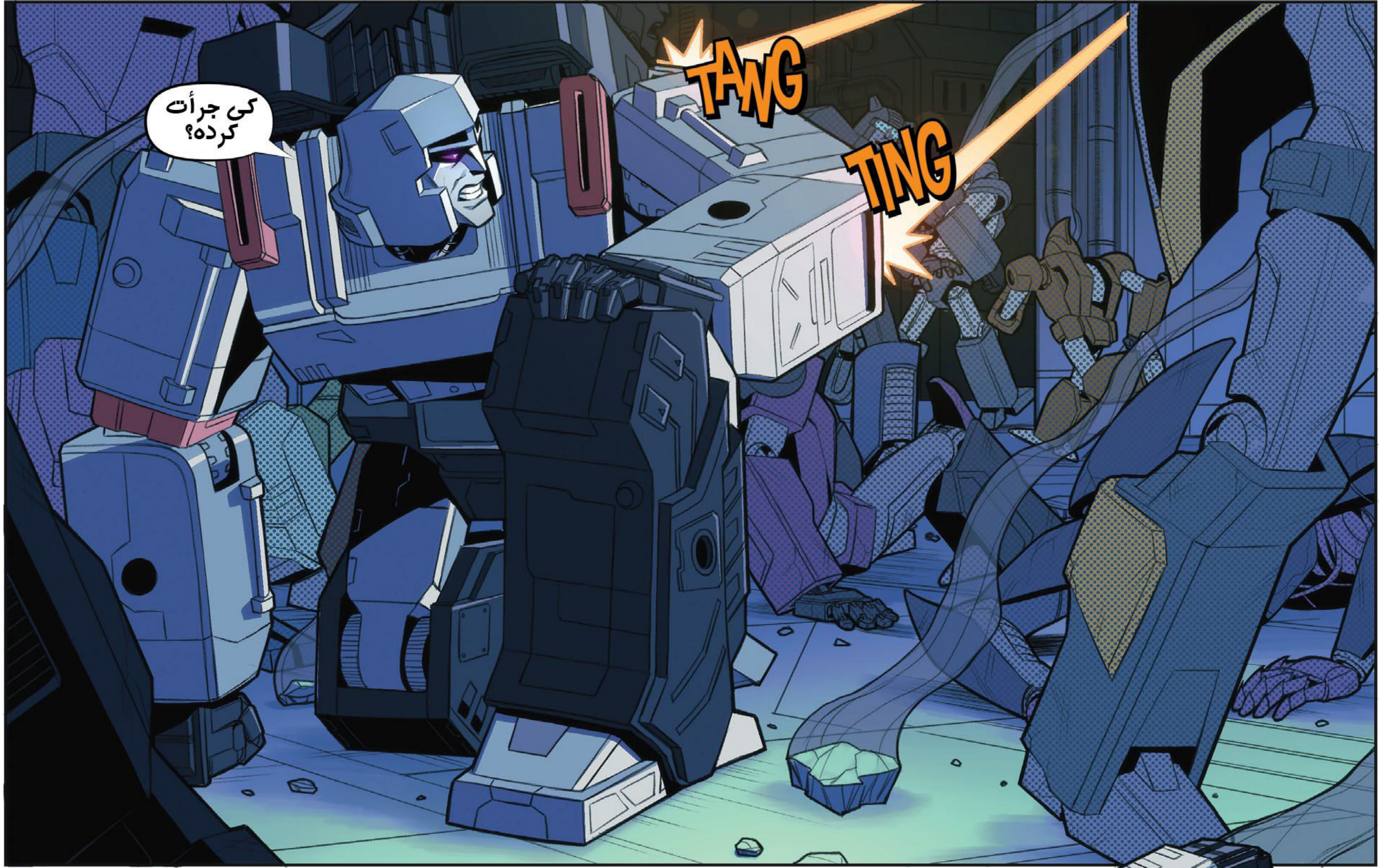
هزاران سیکل
بین نسل ها فاصله
افتاده! چیره های انرگون
(واحد انرژی) که به هر کدوم
اژ شما داده می شه تمامی
قدرتی که از زمان پیدایش
حق شما بود از شما صلب کرده.

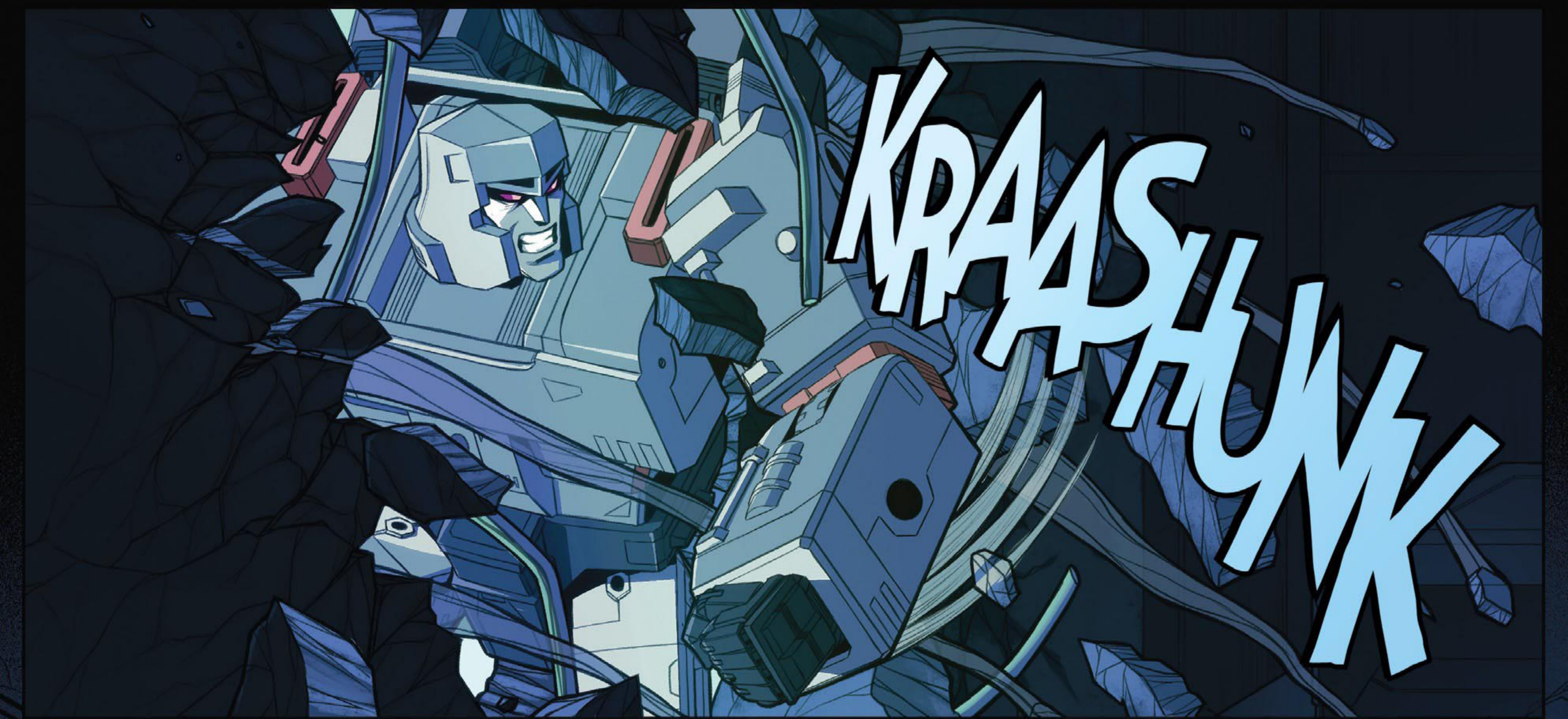
ترماکس اولین
کسی که خودشو به اسنتیکان
نامید، چواب این سؤال را داشت.
ما باید خودمون رو از بند ترس
رها کنیم و زنجیرهای خودساخته
را پاره کنیم!

آتوبات هایی
که کنترل رو مدتی
طولانی در دست داشته اند
دیگر قادر به انجام این کار
نخواهند شد.

آنها انرگون های
ما رو جمع آوری
می کنند، می سنجند
و...

THWOM





KRAASH
HUK



بیایید بیرون
و با من روبرو
باشید ترسوها!

KRASH



رفتند!

بزودی جواب
این حرکت رو
دریافت می کنند.

خودم
جوابشونو
می دم.

ادامه دارد...

>ART BY NELSON DÁNIEL



>ART BY RON JOSEPH
>>COLORS BY THOMAS DEER

